

به نام پروردگار مهربان

جمع بندی

# ادبیات فارسی

مرور و جمع بندی کنکور در (۲۴) ساعت

• رضا اسماعیلی (رفسنجانی)



مورد تأیید دفتر تکنولوژی  
آموزشی و کمک آموزشی  
وزارت آموزش و پرورش



باز کن پنجره را  
من تو را خواهم برد  
به سر رود خروشان حیات  
آب این رود به سرچشمه نمی‌کرد باز  
بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز  
باز کن پنجره را  
صبح دید!

به قول دوست شاعر من: «دنیا به اتوبوسی می‌ماند که سه ایستگاه بیش‌تر ندارد: تولد، زندگی و مرگ؛ بعضی‌ها، تنها در تولد، سوار و در مرگ، پیاده می‌شوند؛ و چه تلخ زندگی را خواب می‌مانند!»  
دوستان عزیز! من ایمان دارم که شما هیچ‌گاه زندگی را تلخ در خواب نخواهید ماند؛ چون شما با بلیت تدبیر بر هستی‌پیمای اراده می‌نشینید و زندگی را شیرین‌ترین، تا سر منزل مقصود خواهید پیمود. هرچند روزگار، تنگ‌حوصله‌تر از آن است که صدای نغمه‌های ساز زندگی شما را بشنود، اطمینان خاطر دارم که شما با همت بلند و پشتکار خود، گام‌های بلند و استوارتان را بر اعصاب روزگار خواهید نهاد و تا فتح قلعه‌ی پیروزی و سربلندی پیش خواهید شتافت.

## نقطه سر خط

بهتر است که چند سطری هم از کتاب آخر ادبیات برایتان بگویم. کتاب آخر ادبیات با این رویکرد تألیف شده است که:

- ۱ دسته‌ای از داوطلبان، تا این جای کار، درس زبان و ادبیات فارسی را مطالعه کرده‌اند و اینک می‌خواهند آن را مرور کنند تا به یک جمع‌بندی مفید دست یابند.
- ۲ دسته‌ای از داوطلبان، این ماده‌ی درسی را اصلاً و یا خوب مطالعه نکرده‌اند و اینک می‌خواهند از یک آمادگی نسبی و یا مطلوب برخوردار شوند.

در این راستا، کتاب آخر ادبیات، مجموعه‌ی کاملی است مطابق با سرفصل‌های زبان و ادبیات فارسی در کنکور و تقریباً همه‌ی مطالب و محتوای کتاب‌های درسی زبان فارسی ۳ و ادبیات ۲، ۳ و پیش دانشگاهی را در پنج فصل موضوعی، همراه با پرسش‌های چهار گزینه‌ای تألیفی و انواع آزمون‌های جامع دربرمی‌گیرد.



در ضمن، این اثر به گونه‌ی تألیف شده است که امکان مطالعه و جمع‌بندی نکات مهم و اساسی درس زبان و ادبیات فارسی را در مدت زمان کوتاهی برای شما فراهم می‌کند.

پیش از مطالعه‌ی این کتاب، نکات زیر را مورد توجه قرار دهید:

۱ مطالب هر فصل را پیش از پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به آن، مطالعه کنید.  
۲ مباحثی را که برایتان ساده‌تر می‌نماید و یا قبلاً آن‌ها را خوب یاد گرفته‌اید، سریع‌تر از نظر بگذرانید.

۳ پس از مطالعه‌ی هر فصل، به پرسش‌های چهارگزینه‌ای مربوط به آن پاسخ دهید و پاسخ‌های خود را با پاسخ‌های داده‌شده، مقایسه کنید.

۴ به مباحث مهم و سؤال‌خیز کنکوری، بیش‌تر توجه کنید.

۵ پس از مطالعه‌ی تمامی فصل‌ها، جهت ارزیابی میزان آمادگی خود و تسلط یافتن در آزمون نهایی، حتماً به آزمون‌های جامع ارائه‌شده در پایان کتاب پاسخ دهید.

دوستان خوب! امیدوارم از سر شوق و با آرامش خاطر، این اثر را مطالعه کنید و مطمئن باشید که من هرگز تنهایتان نمی‌گذارم و صمیمانه با دستان گرم شما در صفحات این کتاب، ورق می‌خورم و در تورق من، دعای مرا خواهید شنید که:

تو آرام جانی و تابنده‌ای  
تو این عاشقان را که دل داده‌ای

«خدایا! تو دست گیر هر بنده‌ای  
به پیروزی و سربلندی رسان

## خط آخر

از صمیم قلب و از ژرفای جان، از خانواده‌ی عزیز و پرشکیم که در این راه بسیار یاری‌ام کردند تشکر و قدردانی می‌کنم و نیز بسیار سپاس‌گزارم از:

■ جناب آقای احمد اختیاری، مدیریت محترم انتشارات مهر و ماه که زمینه‌ی تألیف و چاپ این اثر را فراهم کردند؛

■ جناب آقای حمزه نصراللهی و سرکار خانم سمیه حیدری که با رهنمودهای علمی و ارزنده خویش بر غنای این اثر افزودند؛

■ واحد تولید انتشارات مهر و ماه و به ویژه سرکار خانم سمیه جباری مدیر تولید انتشارات و نیز آقای احمد مرادی (صفحه‌آرای این کتاب) و تمامی عزیزانی که به‌نوعی در آماده‌سازی این اثر صمیمانه کوشیدند. و ضمن سپاس از شما استادان گران‌قدر، همکاران ارجمند و دانش‌آموزان عزیز، چشم‌به‌راه پیشنهادها و آرای راه‌گشای شما هستم.

«دل‌نشین شد سخنم، تا تو قبولش کردی»

چشمتان روشن

جاننتان گلشن

رضا اسماعیلی

panjganj@yahoo.com





## فصل اول

## واژگان و املا

بخش نخست: واژگان	۸
بخش دوم: املا	۴۱
پرسش‌های چهار گزینه‌ای	۶۳
پاسخ‌نامه	۶۹



## فصل دوم

## تناسب‌های معنایی

بخش نخست: مفاهیم عارفانه و عاشقانه	۷۲
بخش دوم: مفاهیم تعلیمی و پندآموز	۸۳
پرسش‌های چهار گزینه‌ای	۹۹
پاسخ‌نامه	۱۰۷



## فصل سوم

## قالب‌های شعری و آرایه‌های ادبی

بخش نخست: قالب‌های شعری	۱۱۰
بخش دوم: آرایه‌های ادبی	۱۱۷
پرسش‌های چهار گزینه‌ای	۱۲۹
پاسخ‌نامه	۱۳۵



## فصل چهارم

## تاریخ ادبیات و درآمدها

بخش نخست: اعلام	۱۴۰
بخش دوم: درآمدها	۱۸۴
پرسش‌های چهار گزینه‌ای	۱۹۷
پاسخ‌نامه	۲۰۲



## آزمون‌ها

آزمون جامع ۱	۲۵۹
آزمون جامع ۲	۲۶۳
آزمون جامع ۳	۲۶۸
آزمون جامع ۴	۲۷۳
آزمون جامع ۵	۲۷۷



## فصل پنجم

## زبان فارسی

درس‌نامه‌ی ۱	۲۰۴
درس‌نامه‌ی ۲	۲۱۱
درس‌نامه‌ی ۳	۲۱۴
درس‌نامه‌ی ۴	۲۱۷
درس‌نامه‌ی ۵	۲۱۸
درس‌نامه‌ی ۶	۲۲۵
درس‌نامه‌ی ۷	۲۳۰
درس‌نامه‌ی ۸	۲۳۴
درس‌نامه‌ی ۹	۲۳۵
درس‌نامه‌ی ۱۰	۲۳۶
درس‌نامه‌ی ۱۱	۲۳۷
درس‌نامه‌ی ۱۲	۲۳۷
درس‌نامه‌ی ۱۳	۲۳۸
درس‌نامه‌ی ۱۴	۲۳۹
درس‌نامه‌ی ۱۵	۲۴۰
درس‌نامه‌ی ۱۶	۲۴۰
درس‌نامه‌ی ۱۷	۲۴۲
درس‌نامه‌ی ۱۸	۲۴۸
پرسش‌های چهار گزینه‌ای	۲۵۰
پاسخ‌نامه	۲۵۶

پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۱	۲۸۲
پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۲	۲۸۳
پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۳	۲۸۵
پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۴	۲۸۹
پاسخ‌نامه‌ی آزمون ۵	۲۹۳



# واژگان و املا

## بخش نخست

واژگان (واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیب‌های کنایی)

## بخش دوم

املا (گروه‌های املایی و واژه‌های هم‌آوا)





هیون: اسب و شتر بزرگ



یازیدن: دراز کردن

یال: موی گردن اسب و استر؛ مجازاً «گردن»

یغما: غارت و تاراج

یغور: خمیر ورآمده؛ مجازاً «درشت، زمخت و نامتناسب»

یکایک: یک‌مرتب، ناگهان

ینبوع: چشمه، سرچشمه و زه‌آب

یوزان: جمع «یوز» به معنی «یوزپلنگ»، نوعی حیوان شکاری شبیه پلنگ که برای شکار تربیت می‌کردند.

یوزبان: مأمور حفظ و نگهداری و تربیت یوزهای شکاری

همت: قصد، اراده؛ در اصطلاح صوفیه «توجه طالب است با تمام قوای روحانی خود به جانب حق، برای حصول کمال برای خود یا دیگری.»

هم‌enan بودن: کنایه از «با هم و همراه بودن»

همگنان: همراهان، هم‌نوعان

همیان: کیسه‌ی پول، صُرّه

هنجار: طریق درست، روش، قاعده [ناهنجار: نادرست، خلاف قاعده]

هنگامه: آشوب و غوغا، جمعیت، شلوغی

هور: خورشید

هیاکل: [جمع هیکل] اندام‌ها، صورت‌هایی که به اسم ستاره‌ای از ستارگان می‌ساختند.

هیئت: ۱ شکل، قالب ۲ شاخه‌ای از ستاره‌شناسی در قدیم

هیبت: ترس و بیم، شکوه و عظمت

هیمه: هیزم

### تمرین معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

سُفت:	قیه:	مخنقه:	خیره‌خیر:
خَدو:	ضیعت:	همیان:	پتیاره:
هَرّا:	تعویذ:	صُرّه:	کَهل:
گَشَن:	حرز:	زاغه:	زغن:
کَش:	سهم:	غوی:	تهجد:
کت:	هیمه:	قوّال:	جَنحه:
طوع:	سماط:	گساردن:	جَبَر:
هزاهز:	مطاوعه:	ارغند:	جال:
معجر:	وقیعت:	مرقع:	چَغَز:

### تمرین معنی چند واژه نادرست آمده است؟

(ورطه: چاه)	(عقد: پیمان)	(گشن: انبوه)	(ایدر: اکنون)
(شرزه: غمگین)	(ساطع: پراکنده)	(داشتن: پاییدن)	(خایب: نومید)
(زعارت: تنگ‌دستی)	(خطوه: نیرنگ)	(نفیر: بیزاری)	(متراکم: گردآینده)
(شعوذه: شعبده)	(یغور: درشت)	(سعایت: کم‌عقلی)	(فرض: تعیین کردن)



◀ صواب و مصلحت: مترادف	◀ زاغهی گوسفندان: آغل گوسفندان
◀ مدهوش و متحیر: سرگشته و حیران (مترادف)	◀ عمارت گلستان: ساختمان خانهای گلستان
◀ غالب و عاجز: متضاد	◀ نطع و ادیم: گستردنی و سفره
◀ قالب و محتوا: شکل ظاهر و درون‌مایه	◀ شعف و شادمانی: مترادف
◀ ساز ارغنون: نوعی ساز	◀ آز و هوس: حرص و میل شدید
◀ باصلابت و استوار: مترادف	◀ محلّ معهود: جای معمول
◀ حشمت و تمکین: بزرگی و توانایی	◀ سعایت و سخن‌چینی: مترادف
◀ غزوه‌ی احد: جنگ احد	◀ زلت و لغزش: مترادف
◀ صولت حیدری: شکوه حیدری	◀ طالع منحوس: بخت شوم
◀ هُرای شیر: صدای مهیب شیر	◀ ثناگر و ستاینده: مترادف
◀ مهمیز اسب: ممال مهماز	◀ حلاجی و تحلیل: مترادف
◀ نغمه و غنا: آواز و سرود	◀ تأمل و استنباط: اندیشیدن و دریافتن
◀ صلا و صدا زدن: مترادف	◀ قانعی و طامعی: قانع بودن و حریص بودن (متضاد)
◀ عامل و کارگزار: مترادف	◀ نکه‌ت گل: بوی خوش گل
◀ متاع شباب: کالای جوانی	◀ هیبهات و هرگز: مترادف
◀ رحله‌ی ابن بطوطه: سفرنامه‌ی ابن بطوطه	◀ رثای شهیدان: گریه کردن بر شهیدان
◀ غرایب‌الأمصار: شگفتی‌های شهرها	◀ غربت و قربت: دوری و نزدیکی (متضاد)
◀ خادم سِماط: خدمت‌گزار سفره	◀ اِلَف و اُنس: مترادف
◀ وعظ و اعظ: پند اندرزگو	
◀ قاری قرآن: قرآن‌خوان	<b>۲- گروه‌های املائی ادبیات ۳</b>
◀ طّی امیرالأمرا: جشن عروسی فرماندهی کل	◀ طاعت و قربت: فرمان‌برداری و نزدیکی
◀ ذبح گوسفند: سر بریدن گوسفند	◀ ممدّ حیات: یاری‌رسان زندگی
◀ مَسیل مهیب: جای سیل‌گیر ترسناک	◀ مفرّح ذات: شادی‌بخش وجود
◀ اِلَف و هم‌نشینی: مترادف	◀ خوان بی‌دریغ: سفره‌ی بی‌مضایقه
◀ وهله‌ی اوّل: مرحله‌ی اوّل	◀ معاصی فاحش: گناهان آشکار
◀ عبّر و عبرت‌ها: مترادف	◀ بنات نبات: گیاهان همچون دختران
◀ المآثر و الآثار: امور پسندیده و آثار نیک	◀ مهد و گهواره: مترادف
◀ مرآة‌البلدان: آینه‌ی شهرها	◀ عصاره‌ی تاک: شیرهی درخت انگور
◀ حرز و دعا: مترادف	◀ نخل باسق: نخل بلند





### تمرین از میان گروه‌های املائی زیر، صورت درست املائی واژه‌های نادرست را بنویسید.<sup>۱</sup>

هزیمت و شکست:	ثقبه و سوراخ:	عزل و نصب:
محضور و رودربایستی:	مشحون و سرشار:	هایل و مانع:
محظوظ و متمتع:	سیانت و حفاظت:	ملاحی و مناهی:
عقار و ضیا:	الغا و محو:	ذلت و لغزش:
ضیاع و روشنی:	بث‌الشکویا و انتقاد:	ضاللت و گمراهی:
معاصر و نیکی:	مسطور و پوشیده:	مقلوب و مقهور:
تعلّم و تأثر:	حجب و حیا:	غزا و مخاصمت:
ثواب و عقاب:	حذر و سفر:	متبوع و مرضی:
مهجور و قریب:	حزم و درایت:	اضغاث احلام:
الحاح و اصرار:	برائت و انزجار:	لثالی سمین:
هژا و سفیر:	عمارت و صدارت:	براعت و برتری:
صورت و شدت:	حطام دنیا:	

### تمرین در متن زیر چند غلط املائی آمده است؟ صورت درست آن‌ها را بنویسید.<sup>۲</sup>

سپاس و ثنا معبودی را که آثار قدرت او بر چهره‌ی حور و ماه، ساطع و درخشان است. احدی که در فطرت کاینات به وزیر و مُشیر و مؤونت و مظاهرت، محتاج نگشت. آن که برای هدایت بندگان، رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل و ضاللت برهانند. زنه‌ار که عاقبت خُدعه، نامحمود و خاتمت قدر نامحبوب است. بیش از این اهمال، صواب نیست؛ زیرا لذات آجل، ما را از ثواب عاجل بازدارد و عرق شرم بر ازار ما جاری سازد.

۱. پاسخ: محضور ← محظور (در تنگنا افتادن) / ضیا ← ضیاع (آب و زمین و درخت) / ضیاع (روشنی) / معاصر ← متأثر (ج متأثره، نیکی‌ها) / تعلّم ← تألم (دردمندی) / قریب ← غریب (بی‌کس و بی‌آشنا) / سفیر ← صفیر (صدا) / صورت ← سورت (تندی) / سیانت ← صیانت (نگهداری) / مسطور ← مستور (پوشیده) / حذر ← حضر (مقابل سفر) / عمارت ← امارت (فرمان‌روایی) / هایل ← حایل (مانع) / ملاحی ← ملاهی (ج لهو، ازار لهو) / ذلت ← زلت (خطا و لغزش) / مقلوب ← مغلوب (شکست‌خورده) / متبوع ← مطبوع (خوشایند) / لثالی سمین ← لالی ثمین (مرواریدهای گران‌بها)

۲. پاسخ: حور ← هور (خورشید) / مؤونت ← معونت (یاری) / قدر ← غدر (مکر و حيله) / آجل ← عاجل (حال) / عاجل ← آجل (آینده) / ازار ← عزار (چهره)



## پرسش‌های چهارگزینه‌ای ؟ واژگان و املا

۱ معنی واژه‌های «عثرات، صلا زدن، خاییدن، مشحون، ضیف» به ترتیب کدام است؟

- (۱) لغزش‌ها، صدا زدن، جویدن، پر شده، مهمان
- (۲) خطاها، آواز خواندن، نرم کردن، مملو، مهمانی
- (۳) زخم‌ها، خواندن، له کردن، انباشته، پذیرایی
- (۴) نشان‌ها، دعوت کردن، خرد کردن، لبریز، ناتوانی

۲ معنی چند واژه در کمانک مقابل آن نادرست آمده است؟

قبیح (زشت)، فکاهه (زشتی)، صیانت (سروری)، قدوم (باز آمدن)، پتیاره (پستی)، بنان (انگشت)، خدو (آب دهان)، ارتجالاً (بی‌درنگ)

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۳ اصطلاح «خودرو و خودسر بودن» کنایه از چیست؟

- (۱) بی‌اختیاری (۲) گستاخی (۳) بی‌نظمی (۴) خوداتکایی

۴ در کدام گزینه معنی هر دو واژه، در کمانک مقابل آن درست ذکر شده است؟

- (۱) درزه (بسته)، چغز (قورباغه)  
(۲) زلت (خواری)، علت (بیماری)  
(۳) معونت (دلیری)، خطوه (قدم)  
(۴) کهل (تنبل)، حبر (مرکب)

۵ معنای درست واژه‌های «چارق، شرنگ، زعارت، حرز، قیه» کدام است؟

- (۱) روسری، سم، فراوانی، دوری، بانگ  
(۲) کفش چرمی، زهر، تندخویی، بازوبند، جیغ  
(۳) پاپوش، خشم، بدرفتاری، خشونت، فریاد  
(۴) دستمال، فریب، بدذاتی، دیوار، تهوع

۶ اصطلاحی است در معماری؛ «به نوعی تزیین گچ‌بری‌شده‌ی پلکانی گفته می‌شود.»

- (۱) مقرنس (۲) شمشه (۳) لغاز (۴) نکاس

۷ معنی واژه‌های همه‌ی گزینه‌ها به جز ..... درست است.

- (۱) خذلان، خلنگ، ادبار ← خواری، علف جارو، بدبختی  
(۲) زغن، فراست، منقذ ← زاغ، بخشنده‌ی، رهاننده  
(۳) سوفار، اضغاث، نهفت ← دهانه‌ی تیر، پریشان، پناهگاه  
(۴) بحبوحه، تگ، اهمال ← میانه، ته، سستی کردن

۸ واژه‌های همه‌ی گزینه‌ها به جز ..... متضاد یکدیگرند.

- (۱) سفر و حضر (۲) خاییدن و مضغ (۳) صحبت و عزلت (۴) حسیض و اوج



## پاسخ‌نامه ✓ واژگان و املا

آواز / هایل ← ترسناک / صیف ← تابستان /  
سُرمه ← کحل

۱۷. گزینه‌ی «۳» استشاره ← رای زدن / تموز ←

ماه اول تابستان / جافی ← جفاکننده / رواق ←  
پیشگاه خانه / سماط: سفره

۱۸. گزینه‌ی «۱» بیگاه ← دیر / تیزتیز ← با خشم

/ جرگه ← زمره / درجوشیدن ← آشوب کردن

۱۹. گزینه‌ی «۴» مجرّد ← غیر مادی / واتر قیدن

← به عقب رفتن، تنزل کردن / ثقت ←  
اعتماد / نسق ← شیوه، روش، گونه / مجاور ←  
گوشه‌نشین، معتکف

۲۰. گزینه‌ی «۳» اجرا ← مقرر کردن جیره / آرنج

← آرنج / داشتن ← نواختن / دستگاه ←  
شوکت / ستردن ← پاک کردن

۲۱. گزینه‌ی «۱» انضمام ← پیوستگی / متفرّعات ←

وابسته‌ها / متراکم ← گردآینده / غلیان ← جوشش

۲۲. گزینه‌ی «۱» ثقت ← اعتماد کردن / خایب ←

ناامید / حبر ← مرکب / جیب ← گریبان

۲۳. گزینه‌ی «۳» سورت ← شدت اثر، تندی، تیزی

/ لالابالی ← بی‌پروا / خَلق ← کهنه / تمسک ←  
چنگ زدن

۲۴. گزینه‌ی «۱» مطلق ← رهاشده / متقارب ←

همگرا / لت ← سیلی / سطوت ← غلبه

۲۵. گزینه‌ی «۲» محاق ← پوشیده‌شده / نمط ←

طریقه / ایما ← رمز / خایب ← بی‌بهره

۲۶. گزینه‌ی «۲» صورت ← سورت (شدت) /

مرئی ← مرعی (مراعات‌شده)

۲۷. گزینه‌ی «۴» بحبوحه ← میان / بادی ← آغاز

/ شبیح ← کالبد / ادبار ← پشت کردن

۱. گزینه‌ی «۱» عثرات ← لغزش‌ها / صلازدن ← صدا

زدن / خاییدن ← جویدن / مشحون ← پر شده /  
ضیف ← مهمان

۲. گزینه‌ی «۲» فکاهه ← مزاح و شوخی / صیانت

← نگهداری

۳. گزینه‌ی «۴» خوداتکایی

۴. گزینه‌ی «۱» درزه ← بسته / چغز ← قورباغه

۵. گزینه‌ی «۲» چارق ← کفش چرمی / اشرنگ ←

زهر / زعارت ← تندخویی / حرز ← بازوبند، دعای  
چشم‌زخم / قیه ← جیغ

۶. گزینه‌ی «۱» مقرنس

۷. گزینه‌ی «۲» زغن ← زاغ / فراست ← زیرکی و

دریافت باطنی / منقذ ← رهاننده

۸. گزینه‌ی «۲» خاییدن و مضغ ← هر دو به

معنی جویدن (مترادفاند)

۹. گزینه‌ی «۴» تیه ← بیابان / استیصال ← از ریشه

کندن / عتاب ← سرزنش / غمزه ← سخن‌چینی /  
ورا ← عقب

۱۰. گزینه‌ی «۳» فصاحت

۱۱. گزینه‌ی «۲» وقاحت ← بی‌شرمی / صولت ←

هیبت / کمیت ← اسب سرخ مایل به سیاه

۱۲. گزینه‌ی «۱» همّت

۱۳. گزینه‌ی «۳» فشار ← سخن‌بیهوده، دشنام /

متعین ← دارا / مطاوعه ← اطاعت / ترگ ←

کلاه‌خود / مهجور ← دورافتاده

۱۴. گزینه‌ی «۱» مفرد موجب، موجب است.

۱۵. گزینه‌ی «۴» غزا ← پیکار / شماتت ←

سرزنش / بادافره ← مجازات

۱۶. گزینه‌ی «۳» حضر ← ماندن در خانه / صغیر ←



## عشق و هستی

عشق، اساس کاینات و پایه‌ی آفرینش است؛ هستی بدون عشق، معنی ندارد؛ جهان، جنبش خود را از شور عشق گرفت.

### بیت‌ها و عبارت‌های کلیدی

- از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد
- از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت
- شور و غوغایی برآمد از جهان
- طفیل هستی عشق‌اند آدمی و پری
- من خفته بدم به ناز در کتم عدم
- وجود عاشق از عشق است. حیات از عشق می‌شناس و ممات، بی‌عشق می‌یاب.
- از حسن او، آسمان و زمین پدیدار گشت.

صد فتنه و شور در جهان حاصل شد  
جنبشی در آدم و حوا نهاد  
حسن او چون دست در یغما نهاد  
ارادتی بنما تا سعادت بی‌بری  
حسن تو به دست خویش بیدارم کرد

## پرده‌داری عشق

عشق، پنهان‌شدنی نیست؛ نگاه عاشق از سرّ ضمیر او خبر می‌دهد و او را رسوا می‌کند.

### بیت‌ها و عبارت‌های کلیدی

- بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل
- دهل زیر گلیم از خلق پنهان
- تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز
- حال من خود در نمی‌آید به نطق
- حال من دور از آن جمال می‌پرس
- عشق نیز چون آتش است که پنهان نمی‌ماند؛ زیرا هر چه عاشق در رازپوشی بکوشد، باز نگاه دو دیده‌اش از سرّ ضمیر خبر می‌دهد.

توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد  
نشاید کرد و آتش زیر سرپوش  
وگرنه عاشق و معشوق رازدارند  
شرح حال اشک خونین من است  
رنگ رویم ببین و حال می‌پرس

## اشتیاق عاشق

شور و اشتیاق عاشق تمامی ندارد؛ حتی با دیدن معشوق، شعله‌ی عشق او افزون‌تر می‌گردد.

### بیت‌ها و عبارت‌های کلیدی

- گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق
- مرا می‌بینی و هر دم زیادت می‌کنی دردم
- روان تشنه برآساید از وجود فرات
- گفتم مگر به وصل رهایی بود ز عشق

ساکن شود، بدیدم و مشتاق‌تر شدم  
تو را می‌بینم و میلم زیادت می‌شود هر دم  
مرا فرات ز سر برگذشت و تشنه‌ترم  
بی‌حاصل است خوردن مستسقی آب را





### ۳ حکایت شبلی و کودکان مکتبی (از قابوس‌نامه / ادبیات ۳) ← سفارش به قناعت و پرهیز از طمع‌ورزی

#### بیت‌ها و عبارتهای کلیدی

- قناعت کن که آن ملکی است جاوید
- چو بستی کمر بر در راه آز
- بر آن سرم که اگر همتم کند یاری
- که زیر سایه دارد قرص خورشید
- شود کار گیتیت یک‌سر دراز
- ز بار مَنّت دونان کنم سبک‌باری

### ۴ حکایت شاعر و امیر دزدان (از گلستان / ادبیات ۳) ← امیدوار نبودن به نیکی و بخشش دیگران

#### بیت‌ها و عبارتهای کلیدی

- از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم
- امیدوار بود آدمی به خیر کسان
- زنبور درشت بی‌مروت را گوی
- مرحمت فرموده ما را مس کنید
- مرا به خیر تو امید نیست شرمرسان
- باری چو غسل نمی‌دهی، نیش مزن

### ۵ حکایت کبک وزاغ (از تحفة الأحرار / ادبیات ۳) ← سفارش به خودباوری و پرهیز از تقلید نابه‌جا

#### بیت‌ها و عبارتهای کلیدی

- کلاغی تک کبک در گوش کرد
- پای مننه در اثر پای اوی
- تو خود روشن‌دل و صاحب‌نظر باش
- خواه بد و خواه نیک، هر چه کنی تازه کن
- تک خویشتن را فراموش کرد
- خود بگشا هر گره از زلف و روی
- چه سود از پند، نابیناست خفاش
- تن به تتبع مده، مخترع کار باش

### ۶ حکایت جولاهه‌ای (بافنده‌ای) که به وزارت رسید. (اسرار التوحید / ادبیات ۳) ← سفارش

به تواضع در اوج قدرت و حدّ خویش را نگه داشتن

#### بیت‌ها و عبارتهای کلیدی

- شب‌نم به آفتاب رسد از فتادگی
- ز راه خاکساری کسب عزّت کرده‌ام صائب!
- بنگر که از کجا به کجا می‌توان شدن
- که چون خورشید هم بالای سر هم زیر سر باشم

### ۷ حکایت موسی و شبان (از مثنوی / ادبیات ۳) ← شرط اصلی تقرب و رضای الهی، داشتن قلبی پاک و بی‌ریاست.

#### بیت‌ها و عبارتهای کلیدی

- ما برون را ننگریم و قال را
- زهد با نیت پاک است نه با جامه‌ی پاک
- خدا ز آن خرّقه بیزار است صد بار
- ما درون را بنگریم و حال را
- ای بس آلوده که پاکیزه‌قبایی دارد
- که صد بُت باشدش در آستینی

### ۸ حکایت سلطان سنجر و گرفتاری او به دست غزان (از تذکره‌ی دولت‌شاه سمرقندی / ادبیات ۳) ← کار را به کاردان باید سپرد.

#### بیت‌ها و عبارتهای کلیدی

- بوریاباف اگرچه بافنده‌ست
- به خردان مفرمای کار درشت
- نخواهی که ضایع شود روزگار
- نبرندش به کارگاه حریر
- که سندان نشاید شکستن به مُشت
- به ناکاردیده مفرمای کار





### ۱۳ بهترین خلق (از اسرار التوحید / ادبیات ۴) ← سفارش به خویشتن داری و پرهیز از سوءظن

#### بیت‌ها و عبارات‌های کلیدی

- کنون تا یقینت نگردد گناه
- سوءظن اندیشه را لرزان کند
- مانگویم بد و میل به ناحق نکنیم
- به قول مردمان خطی به وی فرو نتوان کشید.
- به گفتار دشمن گزندش مخواه
- مرد حق‌بین بیند و پنهان کند
- جامه‌ی کس سیه و دلخ خود ازرق نکنیم

### ۱۴ حکایت زاهد ریایی و پسر صاحب فراست او (از گلستان / زبان فارسی ۳) ← پرهیز از خودنمایی و ظاهرسازی

#### بیت‌ها و عبارات‌های کلیدی

- نیک باشی و بدت گوید خلق
- خرد باید اندر سر مرد و مغز
- به اندازه‌ی بود باید نمود
- خدا ز آن خرقه بیزار است صد بار
- برو ای زاهد خودبین که ز چشم من و تو
- الهی، روا مدار که پنهان ما از پیدای ما ناستوده‌تر باشد.
- به که بد باشی و نیکت بینند
- نباید مرا چون تو دستار نغز
- خجالت نبرد آن که ننمود و بود
- که صد بت باشدش در آستینی
- راز این پرده نهان است و نهان خواهد بود

### ۱۵ حکایت گفت و گوی فلانی با شتر (از مثنوی / زبان فارسی ۳) ← در نکوهش مدعیان دروغین

#### بیت‌ها و عبارات‌های کلیدی

- آن یکی فرمود: اشتر را که هی
- گفت: از حمام گرم کوی تو
- سخن راست توان دانست از لفظ دروغ
- به گیتی به از راستی پیشه نیست
- گر راست سخن گویی و در بند بمانی
- راستی کن که راستان رستند
- گر کژی را شقاوت است اثر
- از کجا می‌آیی ای فرخنده‌پی
- گفت: خودپیداست از زانوی تو
- باد نوری پیدا بود از باد خزان
- ز کژی بتر هیچ اندیشه نیست
- به زان که دروغت دهد از بند رهایی
- در جهان راستان، قوی‌دستند
- راستی را سعادت است اثر

### چند مفهوم نمادین

- نی ← غریب، دور افتاده از وطن
- شمع ← معشوق
- فانوس ← روشنایی
- کاریز ← افراد خودخواه
- کاج ← بلندی
- چشمه ← پاکی، جوشش، لطافت و روشنی
- پنجره ← احساس و ارتباط
- پروانه ← عاشق حقیقی
- داروگ ← باران و پیام‌رسان آزادی
- سایه ← گمراهی
- شب‌بو ← کوتاهی
- گل سرخ ← قلب انسان، زیبایی‌های جهان
- نور ← پرتو ایزدی
- نیلوفر ← عرفان



## پرسش‌های چهارگزینه‌ای ؟ مفاهیم و قرابت‌ها

۱ پیام کلی بیت‌های زیر، به کدام گزینه، نزدیک‌تر است؟

«چشم بگشا به گلستان و ببین  
ز آب بی‌رنگ صد هزاران رنگ  
جلوه‌ی آب صاف در گل و خار  
لاله و گل نگر در این گلزار»

- (۱) عشق من شد سبب خوبی و رعنائی او
- (۲) غیر دریا گر نماید موج و آب
- (۳) بلبل آسا، همه شب تا به سحر ناله زنم
- (۴) چو ماهی باش در دریای معنی

۲ مفهوم عبارت «اگر خواهی به ماری، خود را بر در بگذار و در آی.» با کدام گزینه، ارتباط کم‌تری دارد؟

- (۱) ای دل ز غبار جسم اگر پاک شوی
- (۲) سجده نتوان کرد بر آب حیات
- (۳) گر آسانی همی بایدت فردا
- (۴) بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار

۳ مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) آهنگ دراز شب مهجوری مشتاق
- (۲) چون نبینم محرمی سالی دراز
- (۳) پاسبان حرم دل شده‌ام، شب همه شب
- (۴) غم دل با تو نگویم که نداری غم دل

۴ مفهوم بیت «حسنّت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد» با کدام گزینه تناسب کم‌تری دارد؟

- (۱) ای گل تو دوش داغ صبحی کشیده‌ای
- (۲) اگر از کمند عشقت بروم، کجا گریزم
- (۳) همه عمر برندارم سر از این خمار مستی
- (۴) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود

۵ مفهوم مقابل عبارت «مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و برخیزد و بخورد و بخسبد و بخرد و بفروشد.» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- (۱) ای دل تو در این روز فراغت مطلب
- (۲) نیست باز آمدن از فکر و خیال تو مرا
- (۳) نفسی وقت بهارم هوس صحرا بود
- (۴) من بعد از این نه زهد فروشم نه معرفت

- وز مردم این زمانه راحت مطلب
- با رفیقان موافق سفر دور خوش است
- با رفیقی دو که دایم نتوان تنها بود
- کان در ضمیر نیست که اظهار آن کنم



## پاسخ‌نامه

## مفاهیم و قرابت‌ها

۱. گزینه‌ی «۲» مفهوم مشترک بیت سؤال و این گزینه، «وحدت وجود» است.
۲. گزینه‌ی «۳» «شرط رسیدن به وجود حقیقی (خدا) نادیده گرفتن وجود خود است.» این مفهوم در بیت سوم نیامده است.
۳. گزینه‌ی «۳» مفهوم مشترک بیت‌های (۱)، (۲) و (۴) این است که «هر کسی لایق درک حقیقت عشق و اسرار آن نیست».
۴. گزینه‌ی «۲» «عشق ازلی است.» این مفهوم از گزینه‌ی (۲) دریافت نمی‌شود.
۵. گزینه‌ی «۱» مفهوم مقابل (متضاد) عبارت سؤال، «دعوت به گوشه‌نشینی» است. این مفهوم در گزینه‌ی (۱) دیده می‌شود.
۶. گزینه‌ی «۱» در این گزینه، برخلاف دیگر گزینه‌ها بر «میل به بازگشت به اصل (خدا)» تأکید نشده و در حقیقت، دعوت به سوی عالم معناست.
۷. گزینه‌ی «۳» «روزگار، فراز و فرود دارد.» بر این مفهوم در گزینه‌ی (۳) تأکید شده است.
۸. گزینه‌ی «۳» مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، «تقابل عقل و عشق» است؛ این مفهوم از گزینه‌ی (۳)، دریافت نمی‌شود.
۹. گزینه‌ی «۲» «انسان عاقل و دوراندیش، قبل از انجام هر کار به عواقب آن می‌اندیشد.» بر این مفهوم در گزینه‌ی (۲) تأکید شده است.
۱۰. گزینه‌ی «۱» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، «تأکید بر ارزش ذاتی» است.
۱۱. گزینه‌ی «۴» «عاشق راستین، تا ابد در عشق وفادار می‌ماند.» این موضوع، مفهوم مشترک بیت‌های (۱)، (۲) و (۳) است.
۱۲. گزینه‌ی «۲» «باید بدی را با خوبی پاسخ داد.» این مفهوم از گزینه‌ی (۲)، دریافت نمی‌شود.
۱۳. گزینه‌ی «۴» «راه عشق، راهی سخت و دشوار است.» این مفهوم از گزینه‌ی (۴) دریافت نمی‌شود.
۱۴. گزینه‌ی «۳» مفهوم مشترک گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴)، «تجلی آفریدگار در هستی است.» در حالی که در گزینه‌ی (۳) عامل شورانگیزی عشق را، در وجود معشوق می‌داند.
۱۵. گزینه‌ی «۱» «لازمه‌ی بزرگی، افتادگی و تواضع است.» این مفهوم از گزینه‌ی (۱)، دریافت نمی‌شود.
۱۶. گزینه‌ی «۱» مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی (۱) این است که «نوع نگرش مهم است؛ با نگاه عاشقانه و باطنی، همه چیز زیباست؛ اگر عیب و خطایی هست، از نحوه‌ی نگاه ماست.»
۱۷. گزینه‌ی «۱» بیت سؤال و گزینه‌ی (۱) بر «چیرگی نابخردان و نادانی بر خردمندان و دانایی» تأکید دارد.
۱۸. گزینه‌ی «۴» تأکید آیه بر «تظلم و دادخواهی» است. این مفهوم در گزینه‌ی (۴) دیده می‌شود.
۱۹. گزینه‌ی «۳» بیت سؤال و گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به «دوری گزیدن از هم‌نشین بد» سفارش می‌کند.
۲۰. گزینه‌ی «۲» «عزت و ذلت بندگان در ید قدرت خداست.» این مفهوم از گزینه‌ی (۲) دریافت نمی‌شود.



### نمونه‌ی قصیده از «فرّخی سیستانی»:

← تغزل (تشبیب)	ای دل من تو را بشارت باد	که تو را من به دوست خواهم داد (مطلع)
	تو بدو شادمانه‌ای به جهان	شاد باد آن که تو بدویی شاد
	تا نگویی که مرا مفرست	که کسی دل به دوست نفرستاد
	دوست از من تو را همی طلبد	رو بر دوست هر چه بادا باد
	تا ز بیداد چشم او برهی	از لب لعل او بیایی داد
← تنه‌ی اصلی	خاصه بر تو که تو فزون ز عدد	آفرین‌های خواجه داری یاد ← تخلص
	خواجه‌ی سید ستوده‌هنر	خواجه‌ی پاک طبع پاک نژاد
	عبدالرزاق احمد حسن آنک	هیچ مادر چو او کریم نژاد
	از وزیران چو او یکی ننشست	بر بساط جم و بساط قباد
	روزگارش خجسته باد و بر او	مهرگان، فرّخ و همایون باد (مقطع)

مهم‌ترین اجزای قصیده<sup>۱</sup>

- ۱- تغزل (تشبیب) ← مقدمه‌ی قصیده با مضامینی چون عشق یا توصیف طبیعت
- ۲- تخلص ← رابط میان تغزل و تنه‌ی اصلی قصیده
- ۳- تنه‌ی اصلی ← مقصود اصلی شاعر (مدح، رثا، پند، اندرز، عرفان و حکمت)

**نکته** ۱- موضوع و درون‌مایه‌ی قصیده، مدح، رثا، پند و اندرز، عرفان، حکمت و نظایر این‌هاست.  
۲- رودکی، فرّخی سیستانی، منوچهری، انوری، خاقانی، سعدی، بهار، مهدی حمیدی و ... از نامداران این عرصه به شمار می‌روند.

**۷- غزل:** شعری است که از چند بیت هم‌وزن تشکیل می‌شود و قافیه در آن همانند قصیده در اولین مصراع و مصراع‌های دوم (زوج) می‌آید و تعداد بیت‌های آن، معمولاً بین پنج تا پانزده بیت و گاه بیشتر است.

شکل هندسی:



### نمونه‌ی غزل از «باستانی پاریزی»:

یاد آن شب که صبا در ره ما گل می‌ریخت	بر سر ما ز در و بام و هوا گل می‌ریخت
سر به دامن منت بود و ز شاخ گل سرخ	بر رخ چون گلت آهسته صبا گل می‌ریخت
خاطرت هست که آن شب، همه شب تا دم صبح	گل جدا، شاخه جدا، باد جدا گل می‌ریخت
زلف تو غرقه به گل بود و هر آن گاه که من	می‌زدم دست بدان زلف دو تا گل می‌ریخت
گیتی آن شب دگر از شادی ما شاد نبود	راستی تا سحر از شاخ چرا گل می‌ریخت؟
شادی عشرت ما باغ گل افشان شده بود	که به پای تو و من از همه جا گل می‌ریخت

۱- همه‌ی قصیده‌ها این اجزا را ندارند؛ به ویژه قصاید امروز. نوع دیگری از «تخلص»، آمدن نام شاعر در پایان شعر است: (حافظ به خود نبوشید این خرّقه‌ی می‌آلود / ای شیخ پاک‌دامن، معذور دار ما را)





۱- جناس تام: واژه‌ها از نظر شکل ظاهری، یکسان ولی در معنی متفاوت‌اند:  
بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت  
برادر که در بند خویش است، نه برادر و نه خویش است.

۲- جناس ناقص: اختلاف واژه‌ها فقط در یک واج است و به سه شکل دیده می‌شود:  
الف- جناس ناقص اختلافی: اختلاف واژه‌ها در یکی از حروف اول، وسط و آخر آن‌هاست.  
✓ اختلاف در اول:

هنگام تنگ‌دستی در عیش کوش و مستی کاین کیمیای هستی، قارون کند گدا را  
✓ اختلاف در وسط:

باغبان هم‌چو نسیم ز در خویش مران کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است  
✓ اختلاف در آخر:

سررشته‌ی جان به جام بگذار کاین رشته از او نظام دارد  
ب- جناس ناقص حرکتی: اختلاف واژه‌ها، تنها در حرکت (مصوت کوتاه) است:

گوهرِ مخزنِ اسرار همان است که بود حقّ‌ه‌ی مهر بدان مهر و نشان است که بود  
ج- جناس ناقص افزایشی: اختلاف واژه‌ها، علاوه بر معنی، در تعداد حرف‌های آن‌هاست که یکی از  
واژه‌ها، بر دیگری حرف زیادی دارد و به سه صورت می‌آید:  
✓ افزایش در اول:

به هیچ یار مده خاطر و به هیچ دیار که بز و بحر فراخ است و آدمی بسیار  
✓ افزایش در وسط:

مؤذن گر ببیند قد و قامت به قدقامت بماند تا قیامت  
✓ افزایش در آخر:

مرام من همه عشق است و مستی از این آیین، دلم آیینه گشتی  
د- قلب: آوردن دو واژه به گونه‌ای که یکی از حروف آن‌ها جابه‌جا شده و این جابه‌جایی، آن دو کلمه  
را از نظر شکل و آهنگ تا اندازه‌ای شبیه یکدیگر کرده باشد:  
دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نات در مهد زمین پیرورد.

۳- واج‌آرایی: عبارت است از تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در واژه‌های یک مصراع، بیت و یا  
عبارت، به گونه‌ای که موسیقی درونی ایجاد کند و بر تأثیر سخن بیفزاید.

**مثال** تکرار صامت «خ» در این بیت:

لبخند تو خلاصه‌ی خوبی‌هاست لختی بخند خنده‌ی گل زیباست  
و نیز تکرار مصوت «ی» در مصراع اول بیت زیر:  
خوابِ نوشین بامدادِ رحیل بازدارد پیاده را ز سبیل



۴- تکرار: آن است که واژه‌ای را برای چند بار (دو بار یا بیشتر) در کلام بیاورند؛ به گونه‌ای که بر خوش‌آهنگی آن بیفزاید.

**مثال** تکرار واژه‌های «گل» و «باغ» در بیت زیر:

آن خرمن گل، نه گل که باغ است      نه باغ ارم، که باغ مینوست

## ب- آرایه‌های معنوی

- انواع آرایه‌های معنوی
- ۱- مراعات‌نظیر (تناسب)
  - ۲- تضاد (طباق)
  - ۳- متناقض‌نما (پارادوکس)
  - ۴- تلمیح
  - ۵- تضمین
  - ۶- ایهام
  - ۷- ایهام تناسب
  - ۸- اغراق
  - ۹- حسن آمیزی
  - ۱۰- حسن تعلیل
  - ۱۱- اسلوب معادله

۱- مراعات‌نظیر (تناسب): آن است که در مصراع، بیت و یا عبارتی، واژه‌هایی را از یک مجموعه بیاورند که بین آن‌ها تناسب و هماهنگی و نوعی ارتباط وجود داشته باشد.

**نکته** تناسب از جهت همراهی:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو      یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو

تناسب از جهت جنس (هم‌جنسی):

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد      چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

۲- تضاد (طباق) آوردن دو واژه‌ی متضاد و مخالف هم در یک بیت یا عبارت، به گونه‌ای که بر زیبایی کلام بیفزاید.

**مثال** بگویم تا بداند دشمن و دوست      که من مستی و مستوری ندانم

گویی در میان این کاروان کوچک و کاروانیان بزرگ، بذر محبت و عشق پاشیده بودند.

۳- متناقض‌نما (پارادوکس): آن است که دو چیز متضاد را با هم جمع کنند و یک‌جا بیاورند به گونه‌ای که وجود یکی، دیگری را نقض کند.





**مثال** سفر دراز نباشد به پای طالب دوست      که زنده‌ی ابد است آدمی که کشته‌ی اوست  
 [پس از کشته شدن نمی‌توان در دنیا زنده‌ی ابدی بود؛ بنابراین کشته شدن و زنده‌ی ابدی بودن دو امر متناقض است.]  
 از تهی سرشار / جویبار لحظه‌ها جاری است.  
 [جمع شدن سرشار بودن و تهی بودن با هم غیرممکن است.]

**توجه** در متناقض‌نما، گاهی دو امر متضاد، به وسیله‌ی نقش‌نمای اضافه (بـ) به یکدیگر اضافه می‌شوند:  
 هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای      من در میان جمع و دلم جای دیگر است

### تفاوت تضاد با متناقض‌نما

در تضاد، دو کلمه‌ی مخالف و متضاد، به گونه‌ای در کنار یکدیگر می‌آیند که وجود یکی، وجود دیگری را نقض نمی‌کند. اما در متناقض‌نما، این هم‌نشینی و کنارهم‌آیی، امکان ندارد. این تفاوت را در دو مثال زیر بهتر درمی‌یابید:

او سرد و گرم روزگار را چشیده. [سرد و گرم، تضاد است؛ چون روزگار، هم سردی و هم گرمی دارد.]  
 هوای سرد گرم را دوست دارم. [سرد گرم، متناقض‌نماست؛ چون هوا نمی‌تواند در یک آن، هم سرد و هم گرم باشد.]

۴- تلمیح (اشاره): آن است که شاعر یا نویسنده، در ضمن کلمات خود، به یک آیه، حدیث، واقعه‌ی تاریخی، اسطوره‌ای و نظایر این‌ها اشاره کند.

**مثال** پدرم، روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت      من چرا ملک جهان را به جویی نفروشم؟  
 [اشاره به ماجرای حضرت آدم (ع) و خوردن میوه‌ی ممنوعه (گندم) و رانده شدن او از بهشت]  
 در آن جا و در بزم عشق و می و آواز، آب خضر، جوانت کند.  
 [اشاره به ماجرای حضرت خضر (ع) و دست‌یابی او به چشمه‌ی آب حیات]

۵- تضمین: عبارت است از این که شاعر یا نویسنده، در ضمن کلام خود، یک آیه، حدیث، مصراع، بیت و یا عبارتی را از دیگران بیاورد.

**مثال** خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم      کزنسیمش، بوی جوی مولیان آیدهمی (حافظ)  
 مصراعی از رودکی

«موسی» (ع) قارون را نصیحت کرد که: «أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ»  
 از آیه‌ی ۷۷ سوره‌ی قصص

۶- ایهام آوردن واژه یا عبارتی با حداقل دو معنی مناسب و پذیرفتنی در کلام است که یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن باشد.

### مثال

در سخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل      هر که خواهد دیدنم، گو در سخن بیند مرا





بخش نخست اعلام (چهره‌ها، آثار و نام‌ها)

۱- نویسندگان و شاعران درون مرزی

جلال آل احمد



● برگه از زندگی

- متولد ۱۳۰۲ ه.ش، در خانواده‌ای روحانی
- از پرکارترین نویسندگان معاصر و همسر سیمین دانشور
- روی آوردن به معلمی پس از طی تحصیلات
- درگذشت: در سال ۱۳۴۸ در اسالم گیلان

● آثار

- داستان: ۱- نون والقلم ۲- مدیر مدرسه ۳- زن زیادی ۴- پنج داستان ۵- از رنجی که می‌بریم
- مقاله: غربزدگی، ارزیابی شتابزده
- ترجمه: ۱- مانده‌های زمینی از آندره ژید ۲- قمارباز از داستایوسکی
- سفرنامه: خسی در میقات

● اشاره

- نشر آل احمد، صریح، طنزگونه، کوتاه، نزدیک به زبان گفتار و توصیفی
- ترسیم فضای سیاسی و اجتماعی ایران، محرومیت‌ها و ... در آثار خود
- تصویرگر فضای سیاسی و فساد حاکم بر جامعه‌ی خود با داستان‌های واقع‌گرایانه
- داستان «گل‌دسته‌ها و فلک» از کتاب پنج داستان او انتخاب شده.

سیمین دانشور



● برگه از زندگی

- داستان‌نویس معاصر و همسر جلال آل احمد
- تولد: ۱۳۰۰ ه.ش، شیراز / وفات: ۱۳۹۰ ه.ش، تهران

● آثار

- آتش خاموش
- سووشون
- جزیره‌ی سرگردانی

● اشاره

- آتش خاموش، نخستین مجموعه داستان سیمین دانشور است که در سال ۱۳۳۷ منتشر شد.
- سووشون مشهورترین اثر اوست.
- سووشون به چند زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شده است.
- سووشون داستان زندگی مشترک زری و یوسف، دو قهرمان اصلی کتاب است.
- سووشون هم‌چنین به شرح و توصیف زندگی اجتماعی مردم فارس در خلال جنگ جهانی دوم و تسلط انگلیسی‌ها می‌پردازد.
- دغدغه‌ها و مسائل عاطفی یک همسر وفادار در این داستان به خوبی بیان شده است.





## عطار



### برگی از زندگی

- شیخ فریدالدین عطار نیشابوری (۶۱۸ - ۵۴۰)
- شاعر و عارف نامی ایران در قرن ششم
- گویا پدر او عطار (داروفروش) بوده و وی کار پدر را دنبال می‌کرده است.
- عطار پس از انقلاب باطنی، اندیشه‌های عرفانی خود را به نظم درآورد.

### آثار

- به شعر:
- منطق‌الطیر (مقامات‌الطیور)
- الهی‌نامه
- مصیبت‌نامه
- مختارنامه
- به نثر:
- تذکرةالاولیا

### اشاره

- «تذکرةالاولیا» تنها اثر منشور باقی‌مانده از عطار است.
- موضوع تذکرةالاولیا شرح حال ۷۲ تن از عارفان بزرگ است.
- منطق‌الطیر، داستان پرندگانی است که به قصد زیارت سیمرغ، سرزمین خویش را ترک می‌کنند و پس از عبور از هفت مرحله‌ی دشوار، تنها «سی مرغ» از آن‌ها به مقصد می‌رسند.
- منطق‌الطیر، منظومه‌ی عرفانی عالی و معروف عطار و شامل ۴۶۰۰ بیت است که در آن، عطار با قدرت تخیل و بیان خود، شیوه‌ی سالکان طریقت را از زبان پرندگان در قالب حکایت‌ها و تمثیل‌های زیبا آورده است.

## مسعود سعد سلمان

### برگی از زندگی

- قصیده‌سرای توانای قرن پنجم (۵۱۵ - ۴۴۰ ه.ق)
- بیشتر عمر خود را در هند گذراند.
- ابتدا در دستگاه غزنویان، عزت و مقام یافت.
- به سعایت بدخواهان گرفتار و زندانی شد.
- ۷ سال در دهک و سو، ۳ سال در نای و ۸ سال در مرنج زندانی بود.

### آثار

### دیوان اشعار

### اشاره

- مسعود سعد، در سال‌های اسارت، قصاید بسیاری در شرح احوال خویش در زندان سرود که به «حبسیه» (حبسیات) معروف است.

## ابوالمعالی نصرالله منشی

### برگی از زندگی

- نویسنده و مترجم توانای قرن ششم
- در دوره‌ی دوم حکومت غزنویان، در دربار بهرام‌شاه، کتاب کلیله و دمنه را ترجمه کرد.

### آثار

### کلیله و دمنه

### اشاره

- اصل کتاب کلیله و دمنه به زبان هندی (سانسکریت) بوده است.
- در عهد ساسانیان، برزویه‌ی طبیب به فرمان انوشیروان آن را به ایران آورد و به زبان پهلوی (فارسی میانه) برگرداند.
- در قرن دوم هجری ابن‌مقفع، آن را از پهلوی به عربی ترجمه کرد.
- در قرن ششم، نصرالله منشی کلیله و دمنه را از عربی به فارسی برگرداند و به آن نکته‌های فراوانی افزود.
- کتاب کلیله و دمنه، کتابی تعلیمی و دربردارنده‌ی آیات و روایات، اشعار فارسی و عربی و نکته‌های اخلاقی و اجتماعی بسیار است.
- کتاب کلیله و دمنه یکی از آثار ارزشمند فارسی مشتمل بر حکمت‌ها و معارف بشری به زبان تمثیل در قالب داستان و از زبان حیوانات به ویژه دو شغال به نام‌های «کلیله» و «دمنه» است.



## گروه اسمی

## درس نامه‌ی ۶

**گروه اسمی** ← از یک اسم یا چیزی در حکم اسم (ضمیر / صفت جانشین اسم) به عنوان هسته تشکیل می‌شود که می‌تواند یک یا چند وابسته نیز بگیرد.

**توجه** وجود هسته در گروه اسمی، اجباری ولی وجود وابسته، اختیاری است.

نمودار ساختار گروه اسمی (هسته و وابسته‌های پیشین و پسین):



### نکته

۱- هسته‌ی گروه اسمی، اولین واژه‌ای است که در آن گروه اسمی، کسره دارد.

**مثال** همان دو درخت کاج بلند

هسته

۲- چنانچه هیچ واژه‌ای در گروه اسمی کسره نگیرد، آخرین واژه در حکم هسته است.

**مثال** این سه دانش‌آموز

هسته

۳- مجموعه‌ی شاخص‌ها را عناوین و لقب‌هایی مانند: آقا، خانم، استاد، مهندس، دکتر، پرفسور، علامه، سید، آیت‌الله، سرهنگ، سردار، کدخدا، شهید، برادر، خواهر، دایی، عمو، خاله و ... تشکیل می‌دهد. این گونه موارد در صورتی شاخص هستند که بدون کسره و بی‌فاصله پیش از هسته قرار بگیرند.

شاخص: استاد محمدرضا شفیعی کدکنی

وابسته (شاخص) هسته

### مثال

غیر شاخص: او استاد زبان و ادبیات فارسی است.

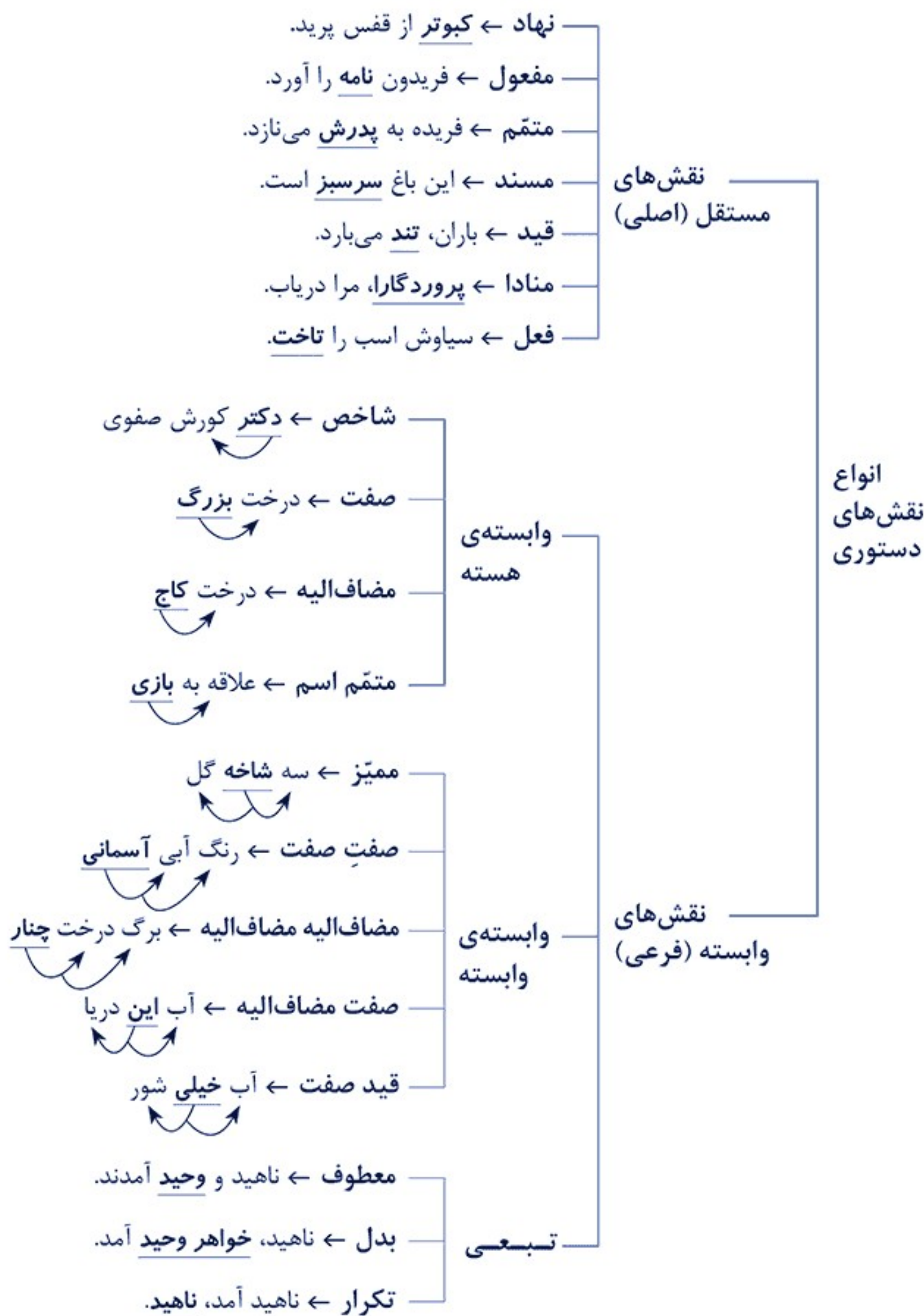
هسته (مسند)

شاخص، گاه پس از هسته می‌آید. ← رضاخان





# نمودار دسته‌بندی نقش‌های دستوری







## آزمون جامع ۱

## تألیفی

۱ واژه‌ی «دَمَدَمَه» در اصل به معنی ..... است و اغلب در معنی ..... به کار برده می‌شود.

- (۱) با نرمی سخن گفتن - حوالی  
(۲) پیوسته سخن گفتن - حوالی  
(۳) با خشم سخن گفتن - نزدیک  
(۴) زیر لب سخن گفتن - نزدیک

۲ معنی درست واژه‌های «سُفت، چغز، ناورد، اورند، هَرَا» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) آرنج، گنجشک، جنگ، شکوه، آشوب  
(۲) دوش، قورباغه، نبرد، تخت، آواز مهیب  
(۳) سینه، مگس، جنگ، قدرت، فریاد  
(۴) کتف، شباویز، پس‌رفت، شکوه، فتنه

۳ معنی چند کلمه در کمانک روبه‌روی آن غلط است؟

عقار (آب و زمین)، بادی (آغاز)، حُلم (شیرینی)، احوال (دوبین)، ثقبه (سوراخ)، وقیعت (بندگی)،  
چنبر (گرفتاری)، جبهه (پیشانی)

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴ در همه‌ی گزینه‌ها به جز ..... غلط املایی دیده می‌شود.

- (۱) محظوظ و متمتع، تألم و تأثر، مألوف و مأنوس، محظور و رودربایستی  
(۲) وقاحت و بی‌شرمی، غلیان و تلاطم، حمیت و تعصب، تغاص و تاوان  
(۳) غوی و ضلالت، داروغه و قاپوچی، القای بردگی، قیه و جیغ  
(۴) الم و رایت، براعت و کمال، لمحہ و لحظه، قدغن و ممنوع

۵ در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«نقض عهد، مطبوع و پسندیده نبُود؛ مرا مقرر گشت که مقدمه‌ی همه‌ی آلم‌ها و محن، طمع است؛ باری عنان آز در دست و انواع هول و خطر در حذر و سفر و بر با آدمی مقرون. صواب آن است که از بهر حطام دنیا، مکارم و فضایل را در تیه فنا و به دست صرصر بلا نشاید افکند.»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۶ گروه مسندی در عبارت «شاهنامه، این اثر سترگ، نمودار آرمان‌های ملت دادخواه ایران است.» شامل چند واج است؟

- (۱) ۳۶ (۲) ۳۷ (۳) ۳۸ (۴) ۳۹

۷ عبارت زیر، به ترتیب دارای چند تکواژ و واژه است؟

«رایانه در پهنه‌ی کتاب‌خانه‌ها و گردش کار پژوهش‌ها در پاسخ‌گویی به مشکلات پژوهندگان راه‌گشا و کارساز بوده است.»

- (۱) ۳۷، ۲۰ (۲) ۳۷، ۲۱ (۳) ۳۸، ۲۱ (۴) ۳۸، ۲۲





## پاسخ آزمون جامع ۱

### تألیفی



۱. گزینه‌ی «۳» با خشم سخن گفتن - نزدیک
۲. گزینه‌ی «۲» سفت (دوش)، چغز (قورباغه)، ناورد (نبرد)، اورند (تخت)، هرا (آواز مهیب)
۳. گزینه‌ی «۲» حلم ← خواب و رؤیا / وقیعت ← سرزنش
۴. گزینه‌ی «۱» گزینه‌ی (۲): تغاص ← تقاص / گزینه‌ی (۳): القا ← القا / گزینه‌ی (۴): آلم ← علم
۵. گزینه‌ی «۱» حذر ← حضر (متضاد سفر)
۶. گزینه‌ی «۲» ۳۷ واج / گروه مسندی ← نمودار آرمان‌های ملت دادخواه ایران ← ن، م، و، د، ا، ر، ی، ه، ا، ر، م، ا، ن، ه، ا، ی، م، ی، ل، ل، ل، ت، ی، د، ا، د، خ، ا، ه، ی، ر، ا، ن /
۷. گزینه‌ی «۳» ۳۸ تکواژ ← رای / انه / در / پهن / ه / ای / کتاب / خانه + ها / و / گرد / ش / کار / ی / پژوه / ش / ها / در / پاسخ / گو / ای / به / مشکل / ات / ی / پژوه / نده / اگ / ان / راه / گشا / و / کار / ساز / بود / ه / است / Ø
- ۲۱ واژه ← رایانه / در / پهنه / ی / کتاب‌خانه‌ها / و / گردش / ی / کار / ی / پژوهش‌ها / در / پاسخ‌گویی / به / مشکلات / ی / پژوهندگان / راهگشا / و / کارساز / بوده است
۸. گزینه‌ی «۴» ۳ واژه‌ی مشتق ← نظامی، ساختار، پسندیده / ۲ واژه‌ی مرکب ← قلمرو، وامدار / ۳ واژه‌ی مشتق - مرکب ← روی‌هم‌رفته، نوآوری، گونه‌گون
۹. گزینه‌ی «۱» کمان ابرو و کمند گیسو ← اضافه‌ی تشبیهی / چشم عقل ← اضافه‌ی استعاری
۱۰. گزینه‌ی «۲» منتقدان ادبی (نهاد) + مهرداد اوستا (مفعول) + از پیشگامان سبک خراسانی نو (مسند) + می‌دانند (= می‌نامند / فعل)
۱۱. گزینه‌ی «۴» بر خلاف دیگر گزینه‌ها، اجزای جمله‌های این بیت به ترتیب آمده است. (خیز ← فعل امر و یک جمله است.)
۱۲. گزینه‌ی «۲» جمله‌ی معترضه است؛ دو طرف آن خط فاصله می‌آید.
۱۳. گزینه‌ی «۱» راه‌آب‌نامه ← جمال‌زاده / جزیره‌ی سرگردانی ← سیمین دانشور / سیر حکمت در اروپا ← محمدعلی فروغی / سرگذشت کندوها ← آل احمد
۱۴. گزینه‌ی «۱» هملت و مکبث - روم باستان - کلاسیسم
۱۵. گزینه‌ی «۳» لب و نفس ← مجاز از سخن / مرده‌ی نفس به آب زندگی ← تشبیه / مرده‌ی نفس و آب زندگی ← تلمیح به مسیح و خضر / دشنام تلخ ← حس‌آمیزی
۱۶. گزینه‌ی «۱» سوختن در آغوش دریا ← پارادوکس
۱۷. گزینه‌ی «۴» شیرینی گفتار ← حس‌آمیزی / شور ← ایهام تناسب / شهد و نمک بودن ← متناقض‌نما / از آن روی که شهد است و نمک هم ← حسن تعلیل
۱۸. گزینه‌ی «۴» مفهوم بیت سؤال و سه گزینه‌ی دیگر، «اتحاد عاشق و معشوق» است. این مفهوم از گزینه‌ی (۴) دریافت نمی‌شود.
۱۹. گزینه‌ی «۱» با توجه به مفهوم عبارت سؤال که پیامبر (ص) را صاحب کمالات و حسن و روشنی‌بخشی می‌خواند، بیت اول متناسب‌تر است.